

♦ یکشنبه ۵ بهمن ۱۴۰۴ ♦ شماره ۲۱۳۳ ♦ سال نهم ♦ ۵ شعبان ۱۴۴۷ ♦ ۲۵ ژانویه ۲۰۲۵ ♦ ۸ صفحه ♦ ۱۰۰۰۰ تومان

اتحاد ملت

روزنامه صبح ایران



سناریوهای پیش‌روی

اسکناس آمریکایی تا پایان سال

موتور افزایش قیمت دلار روشن شد

صفحه ۵

اخبار

آنچه در بازار طلا و نقره در حال وقوع است

صندوق های طلا آماده برای پرواز؟!



تحولات اخیر بازار طلا و نقره، چه در سطح جهانی و چه در بازار داخلی، بیش از آنکه صرفاً نتیجه‌ی «هیجان» یا «سفته‌بازی کوتاه‌مدت» باشد، بازتاب یک ناهماهنگی اطلاعاتی و زمانی میان بازارهاست؛ ناهماهنگی‌ای که در شرایط خاص فعلی، خود را به‌صورت فرصت‌های قیمتی نشان داده است.

در بازارهای جهانی، تثبیت انس طلا در محدوده‌ی ۴۹۸۰ دلار و فاصله‌ی اندک آن تا سطح روانی ۵۰۰۰ دلار، بیانگر تداوم برتری سمت تقاضاست. مهم‌تر از عدد اسمی قیمت، نبود نشانه‌های معتبر از چرخش روند است؛ به‌عبارت دقیق‌تر، بازار هنوز سیگنال معناداری از پایان موج صعودی مخایره نمی‌کند. در چنین شرایطی، این گزاره که «خریداران طلا فعلاً دست بالاتر را دارند» نه یک شعار رسانه‌ای، بلکه یک جمع‌بندی مبتنی بر رفتار قیمت است.

در بازار داخلی اما داستان کمی متفاوت روایت می‌شود. طلای ۱۸ عیار در محدوده‌ی ۱۶ میلیون تومان و سکه امامی در کانال ۱۶۰ میلیون تومان، در نگاه اول هم‌راستا با رشد جهانی به‌نظر می‌رسند، اما اگر مفروضات کلیدی را کنار هم بگذاریم—انس ۵۰۰۰ دلاری و دلار ۱۴۱ هزار تومانی به یک نتیجه‌ی مهم می‌رسیم: قیمت‌های داخلی هنوز به‌طور کامل این متغیرها را هضم نکرده‌اند. همین فاصله‌ی ۳ تا ۵ درصدی میان قیمت تعادلی و قیمت جاری، نشانه‌ی شکل‌گیری آریبترژ زمانی است؛ نه آریبترژ کلاسیک بین دو بازار هم‌زمان، بلکه شکافی که از تأخیر اطلاعاتی ناشی شده است.

عامل کلیدی این تأخیر، اختلال در جریان آزاد اطلاعات و قیمت‌هاست. قطعی یا محدودیت اینترنت بین‌الملل باعث شده کشف قیمت جهانی با وقفه به بازار داخلی منتقل شود. نتیجه آن است که بخشی از دارایی‌های مبتنی بر طلا—از جمله صندوق‌های طلای بورسی و شمش ۹۹۵ در بورس کالا در وضعیت حباب منفی معامله می‌شوند؛ وضعیتی که در شرایط عادی کمتر پایدار می‌ماند.

در این میان، نقره تصویری اغراق‌آمیزتر اما گویا ارائه می‌دهد. صعود انس نقره به ۱۰۳ دلار، در حالی که تنها سه ماه پیش حوالی ۴۸ دلار معامله می‌شد، رشدی نزدیک به ۱۰۰ درصد را ثبت کرده است. این جهش، اگرچه در ظاهر شوک‌آور است، اما هشدار جدی به بازار می‌دهد: فلزات گرانبها وارد فازی شده‌اند که سرعت تعدیل قیمت‌ها از سرعت تحلیل ذهنی بسیاری از فعالان پیشی گرفته است.

«پیش‌ارزش‌گذاری هیجانی» نیست؛ بلکه ترکیبی است از روند صعودی جهانی، تأخیر اطلاعاتی داخلی و فرصت‌هایی که در چنین شکاف‌هایی متولد می‌شوند. نادیده‌گرفتن این منطق، تحلیل را به قضاوت احساسی تقلیل می‌دهد؛ چیزی که دقیقاً بیشترین هزینه را برای سرمایه‌گذار به همراه دارد.

سازوکار موسوم به هیات صلح غزه، بیشتر از آنکه راهکاری عملی برای بحران این سرزمین ارائه دهد، ابزار سیاست یک‌جانبه‌گرا، نمایش قدرت و آزمونی برای مشروعیت نهادهای بین‌المللی در مواجهه با رقابت‌های جهانی است. گزارش رسانه‌های معتبر عربی، عبری و انگلیسی نشان می‌دهد تب‌وتاب «دونالد ترامپ» برای تشکیل «هیات صلح غزه» که هدفش بازسازی و تثبیت آتش‌بس در این منطقه عنوان شده، به یکی از سرخط‌های بحث‌برانگیز رسانه‌ای و کانون‌های تحکرات دیپلماتیک تبدیل شده است.

این سازوکار برخلاف ادعاهای رسمی، از همان ابتدای شکل‌گیری با واکنش‌های منفی گسترده مواجه شد. تحلیلگران و رسانه‌ها بر این باورند که هیات صلح بیش از آنکه راهکاری عملی برای بحران غزه باشد، نمادی از رقابت قدرت‌های جهانی و بحران مشروعیت نهادهای بین‌المللی است.

ترامپ اعلام کرده که هیات صلح می‌تواند فراتر از غزه فعالیت و در دیگر منازعات جهانی نقش‌آفرینی کند؛ اظهاراتی که نگرانی کشورهای اروپایی را درباره تضعیف یا جایگزینی سازمان ملل برانگیخته است

هیات صلح: اجزا و ارکان آن

هیات صلح غزه به ابتکار دونالد ترامپ تشکیل و به عنوان نهادی برای بازسازی غزه و پیشبرد صلح معرفی شده است. هیات اجرایی این نهاد شامل چهره‌های شناخته‌شده سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک است. از جمله اعضای اصلی هیات می‌توان به دونالد ترامپ رئیس مادام‌العمر هیات، «مارکو روبیو» زیر خارجه آمریکا، «جرد کوشنر» داماد ترامپ و «تونی بلر» نخست وزیر پیشین انگلیس اشاره کرد.

حضور تونی بلر به ویژه به دلیل نقش او در جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ بسیار بحث‌برانگیز شده است. علاوه بر این، رئیس بانک جهانی، مدیران اقتصادی و نمایندگان کشورهای مختلف از جمله ترکیه و قطر در هیات اجرایی عضویت دارند. نکته قابل توجه این است که هیچ نماینده‌ای از فلسطینی‌ها در هیات‌های اجرایی دیده نمی‌شود و فلسطینیان تنها به شکل یک کمیته تکنوکرات برای مدیریت روزانه فعالیت‌های غزه حضور دارند.

شرط عضویت دائمی در هیات پرداخت یک میلیارد دلار است که آمریکا ادعا کرده این بودجه قرار است صرف بازسازی غزه شود، اما این شرط موجب بروز انتقادهایی مبنی بر تجاری‌سازی صلح شده است. «یورونیوز» گزارش داده که این هیات در ابتدا به عنوان نهادی محدود برای نظارت بر آتش‌بس غزه معرفی شد اما به سرعت به پروژه‌ای بلندپروازانه و با اهداف جهانی مبدل گشت. ترکیب هیات اجرایی نشان‌دهنده تمرکز قدرت در دست آمریکا و شخص ترامپ است و کشورهای که در ترکیب اجرایی حضور دارند از جمله ترکیه و قطر منتقد عملکرد اسرائیل در جنگ غزه هستند. همین مسأله موجب شده تا حتی نزدیک‌ترین متحد آمریکا یعنی اسرائیل، نسبت به جهت‌گیری و اهداف هیات صلح دچار تردید شود.

هیاتی که هم صهیونیست‌ها از آن اظهار ناخرسندی می‌کنند و هم فلسطینیان

جنبش جهاد اسلامی نخستین واکنش رسمی را نسبت به تشکیل هیات صلح نشان داد و ترکیب هیات را مطابق خواست و منافع اسرائیل توصیف کرد و آن را نشانه نیت‌های منفی برای تحمیل ترتیبات سیاسی و امنیتی آینده دانست. دکتر «منیر البرش» مدیرکل وزارت بهداشت غزه، در واکنشی اظهار داشت: «آن‌ها صلح را میان خود تقسیم می‌کنند و ما خیمه‌ها را. آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند و ما به دنبال گرما و نان هستیم. همه می‌خواهند بر مردم غزه حکم برانند اما نتوانسته‌اند حتی جان یک نفر را حفظ کنند». «احمد الحیله» نویسنده فلسطینی، این شوراها را بخشی از «چرخه نهادهای بین‌المللی» دانست که ممکن است به محو تدریجی مسأله فلسطین بینجامد.

«کمال الهندی» استاد دانشگاه فلسطینی هدف اصلی این تحکرات را «نابودی توان مقاومت و خلع سلاح حماس» توصیف کرده و گفته است: «تمام این هیات‌ها برای اداره غزه شکل گرفته‌اند، نه بازسازی واقعی و بهبود شرایط انسانی». «مامون فندی» تحلیلگر فلسطینی نگاهی عمل‌گرایانه‌تر داشته و اظهار داشته: «قیومیت آمریکا شاید موقتاً بهتر از اشغال مستقیم اسرائیل باشد، اما بی‌ای آن کاهش حاکمیت فلسطینی است.»

«شائیل بن إفرایم» تحلیلگر مسائل فلسطینی این طرح را «استعماری» خوانده و گفته «فلسطینی‌ها به کمیته‌ای تکنوکرات برای انجام کارهای اجرایی تقلیل یافته‌اند.»

هیات صلح یا آرایش جنگی مقابل نهادهای بین‌المللی؟ «اوون جونز» روزنامه‌نگار بریتانیایی، حضور تونی بلر در هیات مزبور را «ننگ تاریخی» توصیف کرده و او را به دلیل نقش در جنگ عراق «مجرم جنگی» خوانده است. در سوی مقابل و در ساعت‌های نخست اعلام این طرح، دفتر «بنیامین نتانیاهو» اعلام کرد که ترکیب هیات بدون هماهنگی با اسرائیل و «در تضاد با سیاست‌های رسمی» این رژیم است. «ایتمار بن گویر» وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی هم صریحاً گفته «غزه نیازی به هیات اداری ندارد، بلکه باید جنگ از سر گرفته شود و حتی مهاجرت گسترده فلسطینیان حمایت شود).

«بتسلئیل اسمورتیج» وزیر دارایی اسرائیل، نتانیاهاو را به فرار از مسئولیت متهم کرده و خواستار حاکمیت نظامی مستقیم، شهرک‌سازی و مهاجرت فلسطینیان شده است. در فضای مجازی، طیفی از کاربران اسرائیلی نتانیاهاو را «ناتوان و سردرگم» خوانده و تاکید کرده‌اند ناتوانی اسرائیل در غزه، زمینه بازگشت قیومیت آمریکا و بریتانیا را فراهم کرده است.

تحلیل‌های بین‌المللی در مورد هیات صلح غزه
یورونیوز در گزارشی نوشته است که تحلیل‌ها نشان می‌دهد در این زمینه اروپا دوگانه واکنش نشان داده است؛ برخی کشورها دعوت ترامپ را بررسی می‌کنند اما کشورهایی

تهران و البرز از نظر بحران آب در بدترین وضعیت هستند

فقط ۴ ماه فرصت داریم

صفحه ۳

سیگنال تهران به واشنگتن در آستانه ورود ناوگان جنگی آمریکایی به منطقه

برای بدترین سناریو آماده‌ایم

آماده‌باش است.» به گفته این مقام: «این بار ما هر حمله‌ای چه محدود باشد، چه گسترده، چه ضربه‌ای دقیق یا هدف‌گیری مستقیم نظامی، صرف‌نظر از نامی که بر آن می‌گذارند، به‌عنوان یک جنگ تمام‌عیار علیه خود تعامل خواهیم کرد و با شدیدترین شکل ممکن پاسخ خواهیم داد تا این موضوع را یک‌سره کنیم».

به گفته مقام ایرانی یادشده: «اگر آمریکایی‌ها حاکمیت و تمامیت ارضی ایران را نقض کنند، ما پاسخ خواهیم داد.» او از مشخص کردن اینکه پاسخ ایران چه خواهد بود، خودداری کرد.. این مقام گفت: «کشوری که تحت تهدید نظامی مداوم از سوی ایالات متحده است، چاره‌ای جز این ندارد که اطمینان حاصل کند که از هر آنچه در اختیار دارد، می‌توان برای عقب راندن و در صورت امکان، بازگرداندن تعادل علیه هر کسی که جرئت حمله به ایران را داشته باشد، استفاده کرد».

شرح در صفحه ۳

چالش جدی امیر قلعه‌نویی برای تابستان ۱۴۰۵
وضعیت نگران‌کننده
لژیونرها
در سال جام جهانی
صفحه ۸

به قلم: فریبرز ناطقی الهی



حال بصورت خلاصه در ده فراز کوتاه ماجرا را در قالب یک مدل ساده شده تحلیل وار نگاه می‌کنیم:

۱- حذف نرخ ترجیحی بدون شک کار درستی است که می‌بایستی دهه ها قبل صورت می گرفت، اما نباید یکباره همه چیز با هم در یک روز زیر و رو می شد !

ادامه در صفحه ۲

نگاهی به پیامدهای اقدام ترامپ برای ایجاد هیات صلح غزه

هیات صلح یا آرایش جنگی مقابل نهادهای بین‌المللی؟

اهداف و ترکیب هیات تردید دارد. این وضعیت، هیات را به مثابه نهادهی نمادین بدل کرده که بیش از حل بحران واقعی، فشار دیپلماتیک آمریکا را در منطقه افزایش می‌دهد. چنین رویکردی همچنین می‌تواند موجب عادی‌سازی مدیریت بحران فلسطین بدون حل ریشه‌ای مناقشه شود، مسأله‌ای که تحلیلگران به آن اشاره کرده‌اند. از منظر حقوق بین‌الملل و نهادهای چندجانبه، هیات صلح غزه نشانه‌ای از چالش‌های ساختاری در نظم جهانی است. تمرکز فعالیت‌ها در خارج از چارچوب سازمان ملل و اعمال نقش‌های امنیتی و سیاسی توسط نهادهی تحت نفوذ مستقیم آمریکا، می‌تواند الگوی جدیدی از مداخله یک‌جانبه و تضعیف سازوکارهای بین‌المللی ایجاد کند. این الگو نه تنها اعتماد میان بازیگران منطقه‌ای و جهانی را کاهش می‌دهد، بلکه ریسک بی‌ثباتی قانونی و سیاسی در دیگر بحران‌های مشابه را افزایش می‌دهد. در این زمینه، هشدارهای فرانسه و کشورهای اروپایی مبنی بر تهدید جایگزینی سازمان ملل، نشان‌دهنده نگرانی عمیق از اثرات بلندمدت چنین ابتکارهایی است. با نگاهی استراتژیک، هیات صلح غزه نمونه‌ای از چالش اصلی روابط بین‌الملل در عصر کنونی را به نمایش می‌گذارد؛ رقابت میان قدرت‌های بزرگ برای اعمال نفوذ، استفاده از ابزارهای اقتصادی و سیاسی برای مهار بحران‌ها و تضعیف نقش بازیگران محلی و سازمان‌های چندجانبه. چنین پدیده‌ای پیامدهای گسترده‌ای دارد؛ از جمله افزایش بی‌اعتمادی میان کشورهای منطقه‌ای، کاهش کارایی نهادهای بین‌المللی و پیچیده‌تر شدن مسیر دستیابی به صلح واقعی.

تحلیل تجربیات مشابه هیات صلح نشان می‌دهد که موفقیت چنین نهادهایی، فراتر از توان مالی و ابزار اقتصادی است و به میزان مشروعیت، مشارکت ذی‌نفعان اصلی، شفافیت تصمیم‌گیری و هماهنگی با نهادهای بین‌المللی بستگی دارد. بدون این مؤلفه‌ها، هر ابتکار صلح‌آمیز ممکن است به جای کاهش بحران، آن را پیچیده‌تر کرده و شکاف‌های سیاسی و اجتماعی موجود را عمیق‌تر کند. هیات صلح غزه در این زمینه به مثابه نمونه‌ای هشداردهنده است. سیاستمداران و تحلیلگران می‌توانند از آن درس بگیرند که ابزارهای اقتصادی و نفوذ سیاسی، به تنهایی نمی‌توانند جایگزین فرآیندهای صلح واقعی شوند و بدون مشارکت ذی‌نفعان، حتی نهادهای بین‌المللی رسمی نیز ممکن است کنار زده شوند.

در کل، هیات صلح غزه، بیشتر از آنکه راهکاری عملی برای بحران این سرزمین ارائه دهد، ابزار سیاست یک‌جانبه‌گرا، نمایش قدرت و آزمونی برای مشروعیت نهادهای بین‌المللی به مواجهه با رقابت‌های جهانی است. این واقعیت نشان می‌دهد که هر گونه راهبرد صلح پایدار در غزه و دیگر مناطق درگیر، تنها با مشارکت واقعی محلی، هماهنگی چندجانبه و احترام به اصول حقوق بین‌الملل ممکن است. به عبارت دیگر، هیات صلح بیش از یک راهکار، یک رنگ خطر برای پیچیدگی‌های راهبردی و اخلاقی سیاست بین‌الملل در دوران کنونی است.



مانند سوئد، نروژ و فرانسه صراحتاً آن را رد کرده‌اند. فرانسه ضمن حمایت لفظی از تلاش برای صلح، با ایده نهادهی که جایگزین سازمان ملل شود مخالفت کرده است. کارشناسان معتقدند که ترکیب هیات و واگذاری مأموریت‌های امنیتی و خلع سلاح حماس به نهادهی خارج از چارچوب سازمان ملل، خطر تضعیف حقوق بین‌الملل و تشدید بی‌اعتمادی منطقه‌ای را در پی دارد.

الجزیره نیز در گزارشی آورده است: در میان کشورهای عربی و اسلامی، قطر، عربستان سعودی، امارات، مصر، اردن، ترکیه، اندونزی و پاکستان پذیرش عضویت خود را اعلام کرده‌اند، اما این امر به معنای مشروعیت کامل هیات نیست و نگرانی‌ها درباره تمرکز قدرت در دست آمریکا و شخص ترامپ ادامه دارد.

بی‌بی‌سی نیز نوشته شرط پرداخت یک میلیارد دلار برای عضویت، باعث شده برخی کشورها از جمله کانادا، از پذیرش این مسئولیت خودداری کنند.

تحلیل کلان کارکرد هیات صلح غزه

تشکیل هیات صلح غزه بیش از آنکه یک راهکار عملی برای حل بحران غزه باشد، به نمادی از بحران مشروعیت نهادهای بین‌المللی، رقابت قدرت‌های جهانی و شکاف‌های منطقه‌ای تبدیل شده است. از همان ابتدا، ساختار و ترکیب هیات واکنش‌های گسترده منفی را برانگیخت؛ ترکیبی که شامل شخصیت‌های سیاسی و اقتصادی آمریکایی و چهره‌های نزدیک به ترامپ مانند جرد کوشنر و تونی بلر است، در حالی که فلسطینی‌ها هیچ نمایندگی مستقیم در هیات ندارند و تنها به شکل کمیته‌ای تکنوکرات برای مدیریت اجرایی محدود حضور یافته‌اند. این مسأله، نقطه اصلی انتقاد فلسطینیان و تحلیلگران بین‌المللی است، زیرا مشروعیت یک نهاد صلح‌آفرین اساساً نیازمند حضور مستقیم و مؤثر ذی‌نفعان اصلی یعنی فلسطینیان است.

تحلیل واکنش‌ها از فلسطینیان تا صهیونیست‌ها و جامعه جهانی، روشن می‌سازد که هیات در عمل با بحران مشروعیت مواجه است. فلسطینیان، ناظران و تحلیلگران منطقه‌ای آن را ابزاری برای تضعیف مقاومت و کنترل مستقیم غزه می‌بینند و اسرائیل حتی در بدنه رسمی خود نسبت به